

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جزوه اربعیت (پنجش اول)

استاد مندری

توضیح: این جزوه بہ عنوان منبع اہلی استفادہ شود.

... کا مل نیت و ہر فہ از بعضی حنفی

استاد نوبت برداری شدہ ...

بزرگی - نیمیساں اول 1402

تا تاریخ 1402, 9, 6

دست نویس: علی موقری

زبان ← سیستم ادبیات ← بخش از زبان

خط ← اہمیت فیلی کمتری دارد.

ریدگا، فلسفہ : انسان ← حیوانی ناطق
کے حرف زدن شش
عقل و منطق باشد

لحجہ ← مثال ← رونق دہندہ حرف می زند
و بدون نیاز بہ مترجم، حرف یکدیگر را می فہمند. پس ہر زبان
دستہ وی ممکن است لحجہ متفاوت داشتہ باشند.

گوش : مثال : فارسی - گیلی - مازنی - بلوچی
کے رشتہ مشترک دارند
→ زبان ہاکی ہند و اروپایی

زبانہا : 1 ہند و اروپایی : اشتقاقی - مشتق پذیر
مثال ← آموز ← آموزگار

2 سامی : تہریفی - حرف می گویند

مثال ← ع. ل. م. ← عالم - علم - مملوآم...

دلیل ورود کلمات بیگانه به زبان

1. مفهوم برای اولین بار ← کاپیتر.

2. کلمه آسان تر ← آفشیج: عنبر ^{عنصر} آفشیجان:

3. بدون دلیل خالص ← اندوه: غم گُرد: پودر

دوران زبان فارسی

1. فارسی باستان: دوران هخامنشیان و پیش از آن
خط: هخمی ← اثر: منشور بیستون

2. فارسی میانه (پهلوی): اشکانیان و ساسانیان

اثر: زند ← ترجمه اوستا به فارسی پهلوی
پانزده ← تفسیر اوستا به فارسی پهلوی

3. فارسی جدید: از زمان حمله اعراب تا امروز

اثر: بیار زیار: طغان و بوستان و...
زردوسی

ادبیات ← (1) حماسی (2) غنایی (3) غنایی (4) تعلیمی

ادبیات حماسی ایران
ادبیات غنایی ندارد.

نکته این دسته بندی ناقص است. ولی تقسیم بندی جهانی این است
ما قبل تاریخ ← قبل از اختراع خط

بیشتر ادبیات حماسی سال این دوران است.

● انجمنانده ← از بلخ و بن خدایی هستند. مورد تحیات و آرزوهای
یک قوم یا نسل است.

● اسطوره ← فلسفه و پیش انسان نسبت به جهان هستی

● حماسه ← روایتی است داستانی، علمی که معمولاً شرح
مهمترین ویژگیها
نقل قول

فرمانی هاکی آن قومیت است. معمولاً حوارات
خارق العاده (حماسه علمی و حماسی) را داراست.

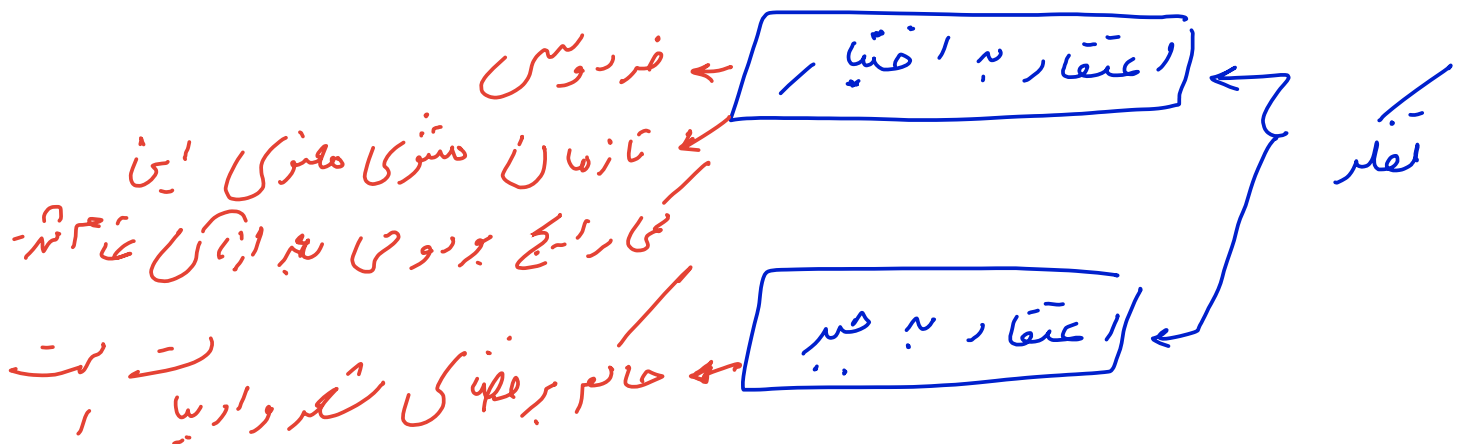
می شود از حماسه یک قوم، ویژگی هاکی آن قوم و فرمان
هاکی آن قوم و ویژگی هاکی آن قوم و نظر مردمان آن
قوم را فهمید. - مفرود - حماسه هر قوم متفاوت است.

بسیاری از جامعه‌شناسان معتقدند که هند
بهترین جامعه است.

مهم ← جامعه هواره همراه با اخلاق است.

تفاوت عادت / مثال خوردن یک لوزن به عنوان تفاوت
دار کردن

جامعه یک ضرورت برای حفظ قوم و جمعیت و زندگی است



تفاوت ادبیات حماسی و غنایی :

در ادبیات غنایی عواطف و احساسات شخصی را در قلم حقیقت‌وی
شاعر

در ادبیات حماسی ، شاعر از احساسات جمعی بهره دارد
مخومی

منظومه ← به مجموعه شعر طولانی
شعر - غزل و ...

مش زان و رودابه - خسرو و شیرین

انگلی رفتاری که داستان‌های عاشقانه یک جهان
و انگلی ثابت دارند.

نظرات مرفعه از نقد و افکار آن جامعه
دلیل اهمیت داستان‌های عاشقانه
داستان‌های عاشقانه ایرانی

زبان و سرور : دیک طبع
همیشه در نهایت به هم می‌رسد
هر دو عاشق زن = شیرین = مرد

داستان های عاشقانه عربی : مثل بلی و جنون

از نسخه
اصل برای است که عاشق ها به هم

فرهاد : ساخته و پرداخته ذهن رضایی
در داستان بلی و جنون

از دوره مشروطه به بعد : مشغول ندارم

ولی غزل دارم - در مواقعی بیشتر از قالب بیهی

می تواند هر مولفه ای باشد : عاشقانه - عارفانه - سیاسی

سبک معروف نوحی

مبانی امروزی
توضیح - چند و ...

برای عشق زینبی

غزل عاشقانه - است در شکل غزل
غزل عارفانه - مولفه ها
غزل رندانه - حافظ

لطیف و روان
و دوستی انسان با خدا
هم در واقعیت هم در محاسن است

بسیار حافظا
تعبیر پذیر است

فحش و دشنام به ریگاری در دین
پس جنبه اجتماعی نیز دارد
ولی هر دو جنبه اجتماعی است

تَاب دیوان شمس
نه تاب مشغولی
معنوی

استاد غزل عارفانه ← موعظه نیکو

معنی قدیمی ریزه ← رازانی و او بانی و ...

ویرگی ملام شعر رنده اند

نه عاشقانه و نه عارفانه

معرفی تاب برای شناساندن حافظه
مکتب حافظه ← منوچهر مرتضوی

مخنی دهد

اندر
ایا سینه
عجلت خطرات
ترجمه خانام
به مقامات اینوی
دعوت خانامه

عوامل ایجاد کننده موسیقی، آهنگ و شعر

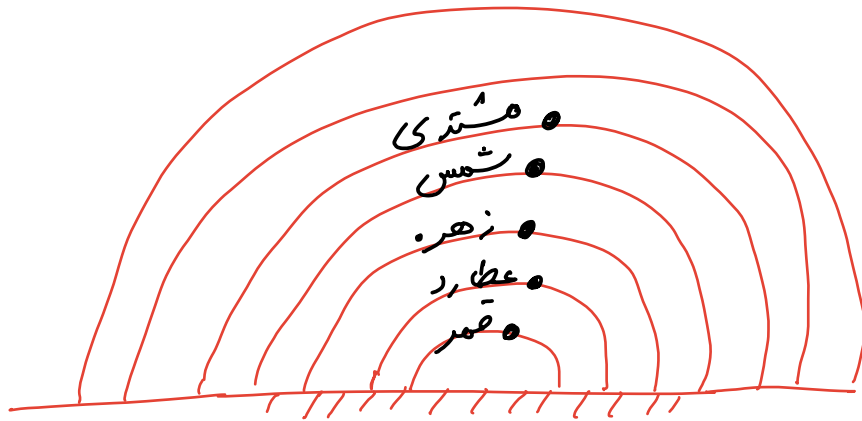
در نظر کلاسیک ← اجباری
(1) وزن (2) قافیه (3) ردیف
اختیار
(ردیف) می تواند حرف باشد - کلمه باشد - فعل باشد - حتی جمله باشد

کنندار ← اگر بی باشد ← کید آرایه حباب می شود.
← ایجاد موسیقی

نقشه د هم می تواند موسیقی ای باشد.

واجب آرایه هوشمندانه ← علاوه بر ایجاد موسیقی ← فضاسازی
نیز می کند.

موسیقی ← چیزکی فراتر از وزن و قافیه و معنا و مفهوم است



پارادوکس ← نقیض یعنی هم نمی تواند باشد
هم نمی تواند هیچگاه نباشد
مثلاً مرده و زنده
بودن انسان
یا مرده است
یا زنده

ویژگی اہل شکر حافظا ← ابراہیم ← از ابراہیم سایر شکرها
خالص است

ابراہیم حافظا خالص است چون

می تواند هر دو معنی را به ما برساند

در معنی داریم - هر دو معنی می تواند
باشد یا نه - معنی اوراد بی زکات

مجموعه اوراد عزیزی حافظا
چند ده تا ابراہیم است

در این علامه وفایت
علامه و بیان ✓ زمانه ✓

در پیامبر عرفی در مورد گفته شده
عرفان تکوینی ← برخی معانی پس ها غیر مرسوم می پوشیدند
و اعتقادات اعتدالی داشتند

به معنی شفا است عرفان با حق از خدا شروع می شود

شفا است خدا از لطیف ذوق و دل

بزرگ خارج از دینی اسلام نیست

برخی سنت ها برگرفته از ادیان دیگر است
صحیح و زیادت

عرفان شیوه اول: اعتراضی

شیوه دوم: امیدواران (به لطف و عشق خداوندی)

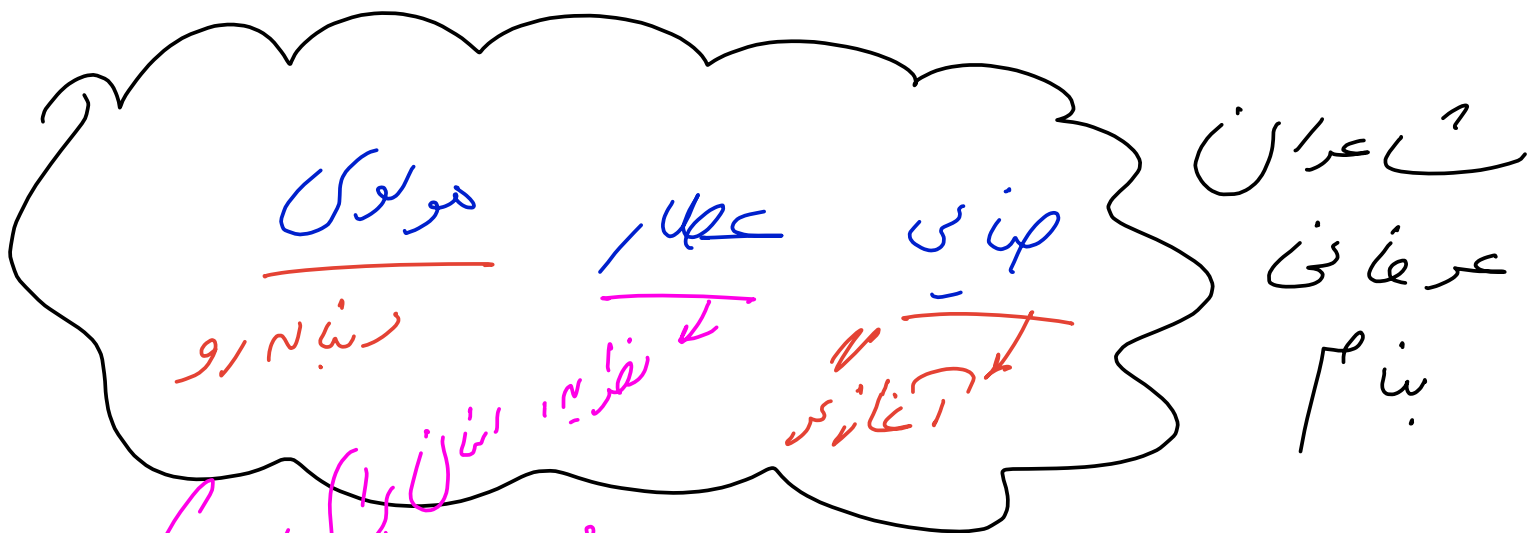
تصوف : خود عینی و اجتماعی عرفان است.

برای خودی قانون دارد. یک سیستم است

زمانی که عرفان از حالت شخصی و منزوی خارج شود

عینی به خود گرفت ، رسید عرفان به تصوف است .

در تصوف ، چون بن بزرگان رقابت بود (چپ و راست اموال بزرگان)
بزرگان هم به یکدیگر تهمت «کفر» می زدند.



اراده را باید با سواد هفت
هفت مقام

مقام مقام رضا (رهایت)

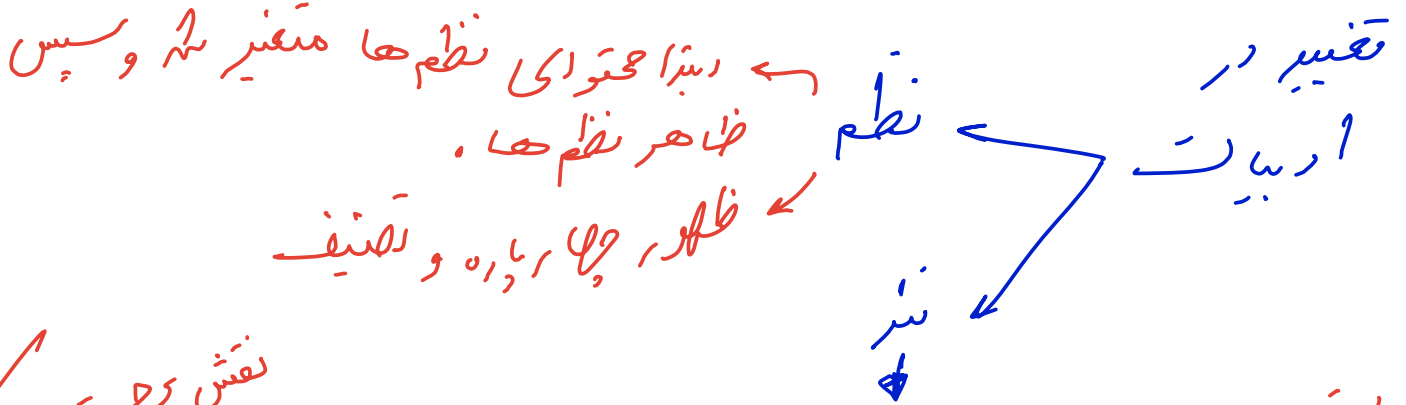
مقام : حالت پایدار انسان

حال : نا پایدار و لحظه ای : اگر دائمی شود می گویند مقام

- (1) مقام طلب / مقام عشق / (3) مقام معرفت
 (4) استغنا / (5) مقام توحید / (6) مقام تحیر
 ← بی نیاز از برحق و برحقا ← یگانگی شفا هستی خداوند ← سرگردانی
 (7) مرحله فنا
 بعد از (7) مرحله : نقطه شروع خواهد رسید

اگر تذکره اولی ← نشر است.
 عطا : بدین پیر و مرشد
 نمی توان راه سلوک را
 طی کرد.
 مصطفی الطیر عطا
 زبان عطا را هست نرد آیین
 حدیقه و هنائی است . حتی مادر نرد مولی

تجدید ادبی ، دوره مشروطه



نقش برجسته امیر کبیر

سریع و تسریع ساز نویسنده : چاپ روزنامه‌ها - ترجمه کتاب‌ها نوشتن رمان‌ها - نوشتن غزلیات

از خوں جوانان وطن و نه دمه عارف قزوینی

صریح شعر

ملک الشعری بهار

امیر کبیر رمان قانون ۱۶

شخصیت‌های تاریخی که دست‌نویس تغییر می‌شوند

مجموعه تاریخی

تصنیف سرایان معروف

مربوط به نظم

۱ آزادی از بند نفس

۲ آزادی از بردگی

معنی

در دوران مشروطه

مطرح شد

وطن - در ادبیات گذشته (قبل مشروطه) بجز شاهانه ،

معنی امروزی معطوف شده بود

معنا

حدی و لوحه نا و ...

۱ جایی که بدین آمده بود

۲ سرزمین‌های اسلامی

بجز فردوسی

ملت ← ملت‌ن ... به معنی پیروان ریی بود ← ملت‌مدنی
بعد از مشروط ← ملت یعنی هموطنان ← ملت ایران

قانون ← قبل مشروط ← قانون فقط محدود به شرع
بعد مشروط ← قانون مصوب مجلس

زن ← قبل مشروط : در اشعار قبل مشروط : منظور از مشروطه واقعی

در اشعار زن واقعی نیست.

زن ← قبل مشروط ← معنوی

مادر

بعد مشروط ← زن واقعی ← چهره مفنی دارد. قابل اعتبار نیست.

مشاور نیست.

بجز ذرات

ازت عریان لک‌رو

حضرا

چهره سیاسی → روشنفکر
چهره علمی → مثلاً گفتار

چهره ادبی → تصنیف کتابها
و متون خطی قدیم
امثال و حکم

چهره ادبی

چهره و پرند

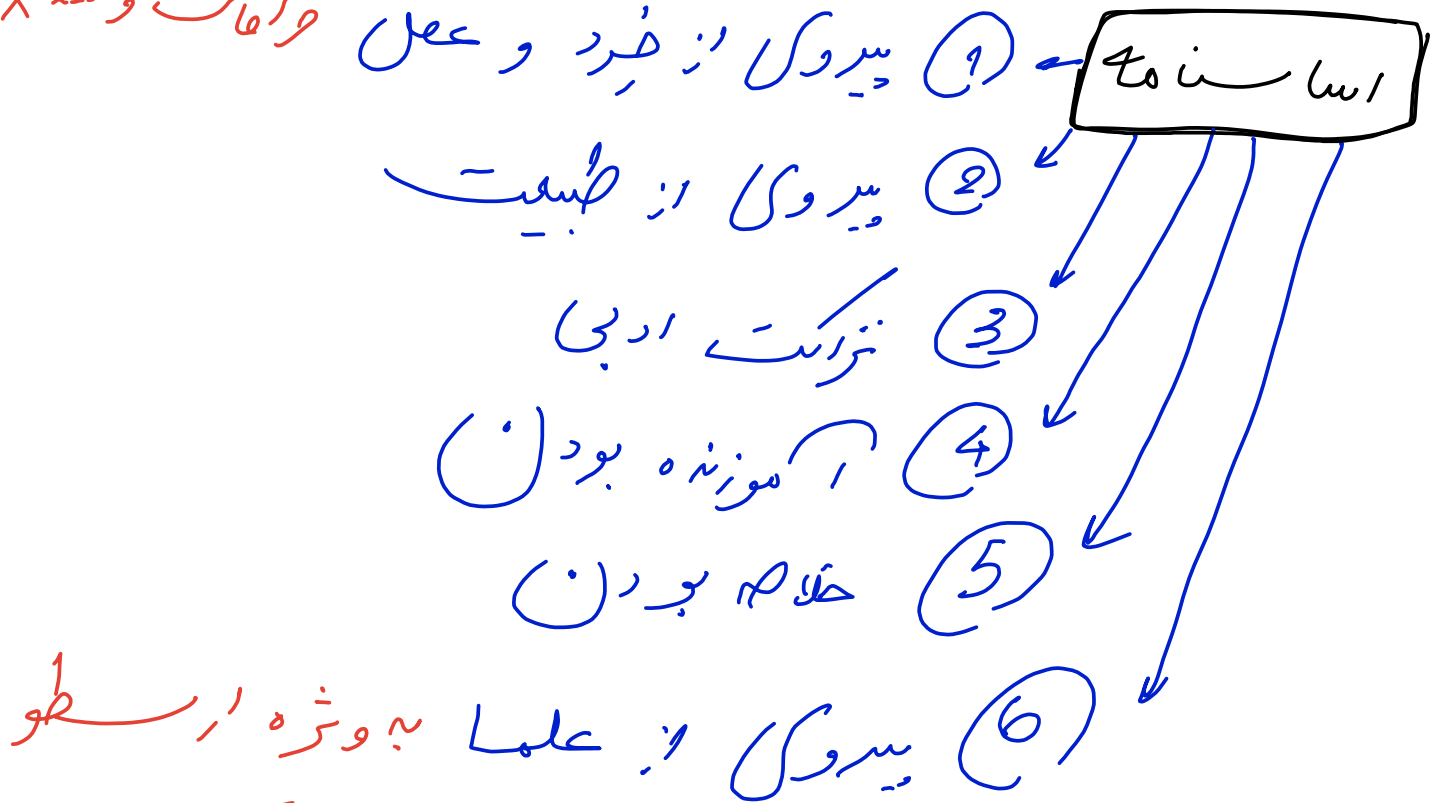
غونه کامل
طنز در

داستان‌های کوتاه → دیوان شهر

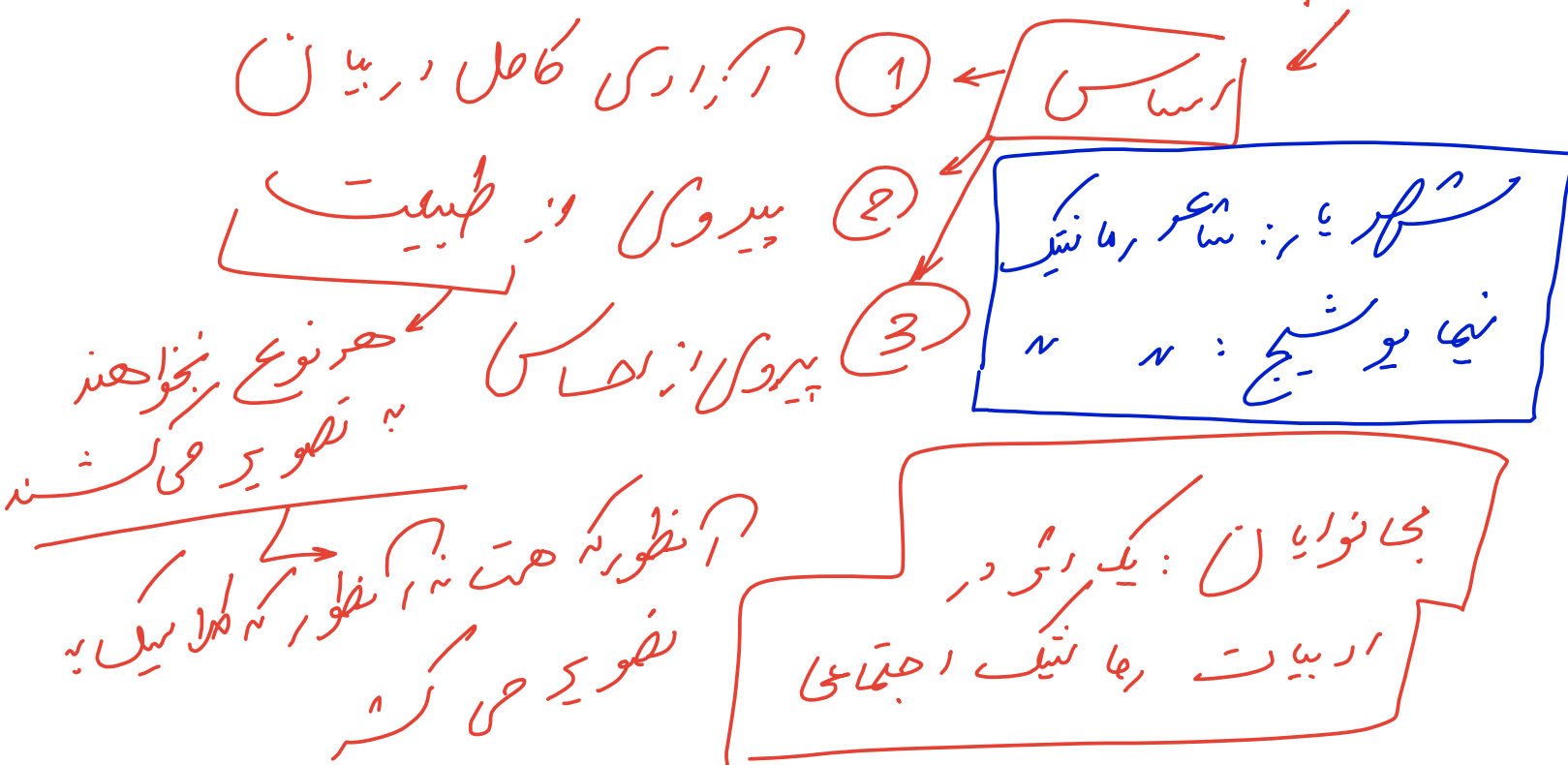
زمان معاصر

اربیات کلاسیک

خفاقات و ... X



یک رمانتیک ← در تقابل با کلاسیک



مربع سحر: بلیل: در ریاضت، مانیک غدار از اری

شب: هم در، مانیک و هم در کلاسیک: غدار حفقان
سیاه کاری: در گذشته: غدار ظلم - حال: غدار دوز و طک

در راستان شیرین و فخرها نظامی: فخرها در ساخته و پرداخته
ذهن نظامی است

☀ - پدر شخرف ← نیا یوشیج ☀ - اگر اخوان ثابت نبود،
شخرفیایی به این قواا غمناک

شخرفی اخوان ← حالت روایی دارد، راستای مانند
فتی در شخرفی کوتاه

علاقه به ایران پیش از اسلام

نیل زارت

هزاره اول ← هیچ چیز نبود.

زرتشتیان: هزاره دارم

شتری

هزاره دوم ← علم و محبت: ماضی بی ماضی

این علم

هزاره سوم ← هزاره پیروزی و روشنائی

حلہ اخذ نوشتہ شدہ = /

دستنویس : علی موقری